پژوهش‌های قرآن و حدیث
Quranic Researches and Tradition
Vol. 53, No. 1, Spring & Summer 2020
DOI: 10.22059/jqst.2020.295762.669453
سال پنجاه و سوم، شمارۀ اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۱۱۶ـ۹۵ (مقاله پژوهشی)

تأثیر ابن‌قولویه بر انتقال حدیث قم به بغداد
(با تکیه بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی)

اعظم فرجامی[۱]، انسیه عسگری[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳۰)

چکیده

ابن‌قولویه از محدثان قمی در سدۀ چهارم بوده که سال‌های پایانی عمر خود را در بغداد سپری کرده است و محدثان و عالمان بزرگی همچون غضائری و شیخ مفید از او بهره برده‌اند؛ اما اکنون از آثار و آراء وی نشان کمی در دست است. میزان تأثیرگذاری ابن‌قولویه بر حدیث بغداد را می‌توان در دو کتاب رجالی فهرست‌نگاری شیعه، *الرجال* نجاشی و *الفهرست* طوسی نشان داد. پنجاه و دو راوی صاحب کتاب در این دو منبع، به واسطۀ ابن‌قولویه معرفی و طریق داده شده‌اند که چهل راوی را تنها ابن‌قولویه در *الرجال* نجاشی نقل کرده است. برخی از آن‌ها مانند احادیث سعد بن عبدالله اشعری، *الرجال* کشی و کتاب‌های فقهی ابن‌ابی‌عقیل مهمترین متون منتقل شده توسط ابن‌قولویه به منابع حدیثی بغداد در سدۀ چهارم بوده است. به‌رغم بهرۀ فراوان نجاشی، شیخ طوسی از طرق و اسناد ابن‌قولویه یاد نکرده و حتی در موارد مشابه، طرق ضعیفی مانند طرق ابن‌بُطّه را جایگزین وی کرده است. توجه به سفرهای ابن‌قولویه نشان می‌دهد، او بیش از همه، کتاب‌های محدثان قم و ری، و سپس دیگر حوزه‌های حدیثی ایران مانند خراسان و سمرقند را به بغداد آورده است. همچنین، سفر ابن‌قولویه به مصر و دیگر شهرهای عراق، سبب بازگرداندن اسناد و دفاتر کهن محدثان کوفی به بغداد شده است. آراء خاص و مشخص ابن‌قولویه در پس آراء شاگردان بزرگ و نسل‌های بعدی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، حل و محو شده است؛ اما تأثیر او در انتقال حدیث قم به بغداد قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.

کلید واژه‌ها: ابن‌قولویه، تاریخ حدیث، الرجال نجاشی، حوزه‌های حدیثی، محدثان قمی.

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی (نویسندۀ مسئول)؛ Email: a.farjami@razi.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)؛ Email: e.asgari@hmu.ac.ir

۱. طرح مسئله

ابن‌قولویه نام یکی از محدثان سدۀ چهارم است که همگان وی را به سبب کتابش، *کامل الزیارات* می‌شناسند. با این همه باید گفت: وی عالمی ناشناخته باقی مانده است؛ زیرا مقام و احترامی که بزرگان حدیث سدۀ چهارم و پنجم برای عظمت علمی وی قائل بودند، تنها در کتب رجال و شرح‌حال نویسی بازتاب داشته است و اکنون از آن یادکرد، نشانی در مجامع علمی دیده نمی‌شود. مهمتر از پنهان ماندن بزرگی دانش ابن‌قولویه، بی‌توجهی به میزان تأثیرگذاری این دانشمند در انتقال اسناد کهن احادیث متعلق به سدۀ دوم و سوم کوفه و قم، به محدثان و نیز رجالیان سده‌های چهارم و پنجم بغداد است. از این‌رو، در پژوهش حاضر، نقش ابن‌قولویه در این دست به دست شدن احادیث و کتب حدیثی کهن، به محدثان و همچنین فهرست‌نویسان شیعی، با تکیه بر کتاب‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی، بررسی می‌شود.

دربارۀ این موضوع، با دو دسته پیشینۀ پژوهشی روبرو هستیم؛ برخی به ابن‌قولویه و برخی به مکاتب حدیثی قم و بغداد پرداخته‌اند. معمولاً به شخصیت‌شناسی ابن‌قولویه پرداخته نشده؛ اما دربارۀ آثار علمی وی که *کامل الزیارات* تنها کتاب باقی مانده از آن‌هاست، پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله مژگان سرشار در مقاله‌ای بر اساس فرضیات محمدباقر بهبودی و دلائل دیگر، انتساب *کامل الزیارات* فعلی به ابن‌قولویه را مورد تشکیک قرار می‌دهد.[۱] برخاسته از تقریرات رجالی سید موسی شبیری زنجانی نیز مقاله‌ای در نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف برای توثیقات عام *کامل الزیارات* ابن‌قولویه منتشر شده است.[۲] امین حسین‌پوری در مقاله‌ای سفرها و برخی اساتید ابن‌قولویه را بررسی و معرفی کرده‌است.[۳] از سوی دیگر، کتاب‌ها و آثار نسبتاً قابل توجهی، مکتب و حوزه‌های حدیثی قم، ری و بغداد را مقایسه کرده‌اند؛ برای نمونه، جباری مختصات مکتب حدیثی قم را بررسی کرده است.[۴] در پژوهشی عام‌تر، روش انتقال حدیث شیعه از

۱. سرشار، مژگان؛ (۱۳۹۵). «زیادات کامل الزیارات و مسئلۀ انتساب اثر به ابن‌قولویه». مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، بهار و تابستان ، شمارۀ ۵۹.

۲. شبیری، سید موسی؛ (۱۳۹۷). «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان». پژوهش‌های رجالی، بهار، شمارۀ ۱.

۳. حسین‌پوری، امین؛ (۱۳۹۸). «سفرهای علمی ابن‌قولویه و ارتباط آن با منابع کامل الزیارات». مطالعات اعتبارسنجی حدیث، بهار و تابستان، شمارۀ ۱.

۴. جباری، محمدرضا؛ (۱۳۷۹). «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری». مطالعات اسلامی، پاییز و زمستان، شمارۀ ۴۹ و ۵۰.

کوفه به شهرهای ایران مانند قم و اصفهان، و از قم به بغداد، بر اساس محدثان برجسته هر شهر، واکاوی و به صورت اجمالی معرفی می‌شود.[۱]

در این پژوهش، ابتدا کتاب‌ها و آثار ابن‌قولویه و تأثیری که بر *الرجال* نجاشی و *الفهرست* طوسی داشته، بررسی می‌شود. پس از آن، سفرهای ابن‌قولویه مدنظر قرار می‌گیرند، تا جغرافیای انتقال حدیث توسط وی به منابع حدیثی شیعه مشخص شود.

۲. شرح حال و خاندان ابن‌قولویه

تاریخ دقیق تولد «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه» مشخص نیست؛ اما می‌توان گفت: ابن‌قولویه زادهٔ نیمهٔ دوم سدهٔ سوم هجری در شهر قم است؛ زیرا سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ ق)، بزرگ محدثان قم را درک کرده و چندین حدیث از او شنیده است. رجالیان، ابن‌قولویه را با توثیق مؤکد ستوده و از بزرگان حدیث و فقه دانسته‌اند: «من ثقات أصحابنا و أجلائهم فی الحدیث و الفقه» [۱۳، ص۹۱؛ ۲۱، ص۱۲۳]. نجاشی جایگاه ابن‌قولویه را بالاتر از توصیفات عادی مردم می‌داند: «کل ما یوصف به الناس من جمیل[۲] و ثقه و فقه فهو فوقه» [۲۱، ص۱۲۳]. به نظر می‌رسد با آنکه نجاشی، خود ابن‌قولویه را درک نکرده، به سبب وصف استادش «شیخ مفید»، از بارزترین و مشهورترین شاگردان ابن‌قولویه، و نیز «غضائری» دیگر شاگرد ابن‌قولویه، به خوبی با کتاب‌ها و طرق و اسناد ابن‌قولویه آشنا بوده است [۲۱، ص ۴۴۷].

پدر ابن‌قولویه، محمد بن قولویه، از خیار اصحاب سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ق) و ملقب به مسلمه [۲۱، ص۱۲۳] یا جمال [۱۲، ص۴۳۹]، از راویان اصلی اسناد و کتاب‌های سعد است [۲۱، ص۱۷۸]. برادرش، ابوالحسین علی بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور، نیز شاگرد و راوی سعد بن عبدالله و بزرگتر از ابن‌قولویه بوده که در آغاز جوانی درگذشته است [۲۱، ص۲۶۲]. همچنین، اسناد کتاب‌های سدهٔ پنجم، یکی از نوادگان خواهر ابن‌قولویه، با نام ابن‌شاذان قمی، را به ما می‌شناساند. به نظر می‌رسد، ابن‌شاذان شخصیت مطرح و مشهوری در زمینهٔ علم حدیث بوده است؛ زیرا طبق یک سند تاریخی، مجلس املای حدیث خود را در مکه و مسجد الحرام به پا داشته و ابوالفتح

---

۱. شهیدی، روح الله؛ مهدوی‌راد، محمدعلی؛ (۱۳۸۶). «سیر انتقال میراث مکتوب شیعه در آینهٔ فهرست‌ها». علوم حدیث، شمارهٔ ۴۴.

۲. به نظر می‌رسد خوش‌سیمایی و آراستگی ظاهر ابن‌قولویه در خانوادهٔ او موروثی بوده است؛ زیرا هنگام معرفی پدرش محمد قولویه، او را نیز «جمال» وصف کرده‌اند [۱۲، ص۴۳۹].

کراجکی (۴۴۹ق) از جمله کسانی است که در این مجلس حاضر بوده و از وی سماع داشته است [۱۸، ص ۱۸۵، ۲۲۰]. در کتابی که از ابن‌شاذان باقی مانده، وی چندین بار تصریح می‌کند که برخی اسناد و احادیث خود را از ابن‌قولویه شنیده است [۱، ص۳۲، ۴۶، ۱۶۰]. این شرح‌حال‌ها در مجموع، نشان می‌دهد، خانوادۀ ابن‌قولویه، قبل و پس از او، اهل حدیث و نقل روایت بودند.

۳. تأثیر ابن‌قولویه بر کتاب‌های رجالی

رجالیان از جمله نجاشی و شیخ طوسی، در مجموع، بیست و شش کتاب ابن‌قولویه را نام برده‌اند [۲، ص۶۶؛ ۱۳، ص۹۲؛ ۲۱، ص۱۲۴]. آنان آمار دقیق کتاب‌های ابن‌قولویه را نمی‌گویند و تنها به صورت کلی، متفقند که او کتاب‌های بسیاری دارد؛ شیخ طوسی شمار آن‌ها را به تعداد ابواب فقهی می‌داند [۱۳، ص۹۲] و نجاشی آن‌ها را «کتب حسان» معرفی می‌کند که بیشترشان را بر شیخ مفید و غضائری قرائت کرده است [۲۱، ص۱۲۴].

در میان کتبی که شیخ طوسی از آن‌ها نام برده، عنوان «فهرست کتاب‌ها و اصل‌هایی که ابن‌قولویه آن‌ها را روایت کرده است» قابل توجه است [۱۱، ص۹۲] که نشان می‌دهد ابن‌قولویه در علم رجال صاحب تألیف بوده است. قرائنی نشان می‌دهد، نجاشی این کتاب رجالی را به واسطۀ دو استادش شیخ مفید و غضائری، در اختیار داشته و بر اساس آن، فهرست خود از راویان صاحب کتاب را در بخش‌هایی تنظیم کرده است. یکی از مهمترین قرائن، آن است که نجاشی بیش از ۵۰ کتاب را با سنددهی و طریق ابن‌قولویه به صاحب کتاب می‌رساند که رقم قابل توجهی در *الرجال* نجاشی است. از میان این تعداد، دقیقاً ۴۰ کتاب، منحصراً با طریق ابن‌قولویه به نجاشی رسیده و هیچ استاد حدیث و اجازۀ دیگری آن‌ها را برای نجاشی نقل نکرده است.

۳. ۱. نجاشی و ابن قولویه

چندین دلیل نشان می‌دهد، نجاشی به ابن‌قولویه و کتاب *الفهرست* او علاقه و توجه داشته است:

الف. برگزیدن طرق ابن‌قولویه بر طرق محدثان دیگر: برای نمونه، مقایسۀ طرق «عباس بن عامر قصبانی» (یکی از این چهل نفر) در *الرجال* نجاشی و *الفهرست* طوسی روشن می‌کند که به واسطۀ شیخ مفید، دو طریق قمی برای عباس بن عامر موجود بوده است. یکی را مفید از صدوق و پدرش نقل می‌کند [۱۳، ص۱۸۹] و دیگری را از ابن قولویه؛ از این میان، نجاشی فقط به طریق مفید از ابن‌قولویه ارجاع می‌دهد [۲۱، ص۲۸۱]. از آنجا که طریق دومی که شیخ طوسی از آن استفاده کرده و نجاشی رها

کرده، به صدوق و پدرش باز می‌گردد، می‌توان گفت ابن‌قولویه و اسناد وی، از نگاه نجاشی بر محدثان بزرگی چون صدوق رجحان داشته است.

ب. توجه خاص نجاشی به برادر ابن‌قولویه: ابن‌قولویه به کتاب برادرش که به تصریح نجاشی در جوانی و سن کم درگذشته، ارجاع می‌دهد و کتابش را ذکر می‌کند؛ در حالی‌که به سبب عمر کوتاه این برادر، کسی چندان از وی سماع نداشته است [۲۱، ص۲۶۲]. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: شخصیت حدیثی قابل توجهی در تاریخ حدیث شیعه نبوده است؛ شیخ طوسی نیز از این برادر و کتابش یاد نمی‌کند. اما نجاشی که *الفهرست* ابن‌قولویه را در اختیار داشته و از آن متأثر بوده، از کتاب و برادر و پدر ابن قولویه، به سبب و احترام و علاقهٔ ابن‌قولویه به برادر و خانواده‌اش یاد می‌کند.

ج. استفادهٔ نجاشی از طریق ابن قولویه برای *الرجال* کشی: نجاشی، نسخه‌ای از *الرجال* کشی را در دست داشته است؛ اما برای نقل طریق دسترسی خود به این کتاب و نیز برخی آراء رجالی کشی، ابن‌قولویه را مرجع قرار داده است. دربارهٔ این موضوع با تفصیل بیشتری سخن گفته می‌شود.

۳. ۱. ۱. *الرجال* کشی و آراء رجالی ابن‌قولویه

نجاشی، ضمن شرح حال برخی راویان و اطلاعات زندگی‌نامه‌ای، شش مرتبه از آراء و منقولات رجالی ابن‌قولویه استفاده می‌کند. وی سه بار از کشی این آراء رجالی را نقل می‌کند: دربارهٔ طعن بر بطائنی [۲۱، ص۳۶]، توثیق ایوب بن نوح [۲۱، ص۱۰۲] و مدح یونس بن عبدالرحمن [۲۱، ص۴۴۷]. در سه دیدگاه رجالی دیگر از برقی [۲۱، ص۲۴۷]، پدر شیخ صدوق [۲۱، ص۴۴۷] و دیده‌های خودش [۲۱، ص۳۴۴] یاری گرفته است. از این‌رو می‌توان این فرضیه را قوی دانست که ابن‌قولویه آراء رجالی خود را بیش از همه، از کشی فراگرفته و آموخته است. مؤید این نظر، دقت در شرح حال ایوب بن نوح است که نجاشی با سند ابن‌قولویه از کشی می‌آورد: «کان أیوب من عباد الله الصالحین» و بلافاصله نجاشی همین مفهوم را تکرار می‌کند: «قال أبوعمرو الکشی: کان من الصالحین» [۲۱، ص۱۰۲]. عبارت دوم نجاشی نشان می‌دهد که او خود رجال کشی را پیش‌رو داشته و آراء رجالی نقل شده از کشی را با نسخهٔ موجودش تطبیق می‌داده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نجاشی از دو طریق به کتاب کشی دسترسی داشته است و چون آن‌را دارای اغلاط کثیره ارزیابی کرده [۲۱، ص۳۷۲]، گاهی به نقل آراء رجالی دیگران از وی مراجعه کرده است. معمولاً آراء رجالی ابن‌قولویه از کشی را، ابن‌نوح به‌صورت وصیت به‌دست نجاشی رسانده است [۲۱، ص۱۰۲]. وقتی نجاشی تنها از طریق

ابن‌قولویه سند خود را به *الرجال* کشی می‌رساند [۲۱، ص۳۷۲]، نشان می‌دهد ابن‌قولویه به نوعی انتقال‌دهندهٔ میراث رجال و حدیث ماوراءالنهر به بغداد نیز هست.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: نجاشی افزون بر فهرست کتاب‌هایی که ابن‌قولویه روایت کرده، به کتابی حاوی آراء رجالی وی نیز دسترسی داشته است. قرینه و شاهد این دیدگاه، وجود نوشته‌های رجالی ابن‌قولویه است؛ از جمله دربارهٔ یکی از راویان قمی، از ابن‌قولویه نقل می‌شود که وی را خویشاوند صفار و سعد بن عبدالله اشعری معرفی کرده است [۱۲، ص۳۹۹]. از سوی دیگر چون این نکات و نظریات رجالی اندک است و به‌ندرت نقل‌قول‌های رجالی از ابن‌قولویه در کتاب‌های دیگر دیده می‌شود، احتمال دارد نظریات رجالی وی، در لابلای متون کتاب *الفهرست*‌اش، ضمن ذکر طریق هر راوی، مذکور بوده است. مشابه این رخداد در کتاب‌های *الرجال* نجاشی و *الفهرست* شیخ طوسی قابل مشاهده است؛ زیرا در حقیقت این دو کتاب، فهرست راویان و طرق دسترسی به کتاب‌های آن‌هاست که گاهی اطلاعات رجالی دارند.

۳. ۱. ۲. *الفهرست* ابن‌قولویه

مطالعه *الرجال* نجاشی نشان می‌دهد، وی چندین فهرست برای راویان صاحب کتاب و طریق‌های متعدد برای آن‌ها داشته است [نکـ: ۲۱، ص۱۵، ۴۹، ۲۴۴، ۳۰۴]. برای نمونه، وی پس از آنکه چهار صفحهٔ کتاب‌های عبدالعزیز جلودی را نام می‌برد، بیان می‌کند که این اسامی را در چندین کتاب الفهرست دیده است: «هذه جمله کتب أبی أحمد الجلودی التی رأیتها فی الفهرستات» [۲۱، ص۲۴۴]. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در مواردی که طرق نجاشی به صاحبان کتب، منحصر در طریق ابن‌قولویه است (یعنی ۴۰ مورد)، قطعاً همهٔ آن فهرست‌ها را دیده ولی از آن میان، کتاب *الفهرست* ابن‌قولویه و طریق او را برگزیده است.

دقت و بازبینی وضعیت رجالی ۵۲ راوی و محدث صاحب کتاب که به واسطهٔ ابن‌قولویه در *الرجال* نجاشی نقل شدند، نشان داد هیچ‌یک از آن‌ها به کذب متهم نیستند. گرچه افرادی چون محمد بن اورمه [۲۱، ص۳۲۹] یا نصر بن صباح بلخی [۲۱، ص۴۲۸]، به سبب غلو در اعتقاد، نکوهش شدند، یا برخی نیز مانند محمد بن احمد بن یحیی اشعری [۲۱، ص۳۴۸] یا کشی [۲۱، ص۳۷۲]، با آنکه فی نفسه ثقه قلمداد شدند، به سبب روایت زیاد از ضعفاء جرح گشتند. از این‌رو می‌توان گفت: احتمالاً کتاب *فهرست* ابن‌قولویه مختصر و گزیده بوده است؛ زیرا ابن‌قولویه کوشیده، بیشتر کتاب‌های راویان ثقه و مورد اعتماد را که نقی‌الحدیث هستند، انتخاب کند و قصد نداشته همهٔ راویان صاحب

کتاب کهن یا جدید و معاصرش را معرفی کند. شاهد دیگر این ادعا، قصد وی در *کامل الزیارات* است. ابن‌قولویه در آنجا تصریح کرده این کتاب را از روایات اصحاب ثقهٔ خود انتخاب کرده و هیچ حدیثی که رجال شاذ نقل کنند، نیاورده است [۵، ص۳۷].

۳. ۱. ۳. چهل راوی و طرق انحصاری ابن‌قولویه به آن‌ها

وقتی اسامی راویان صاحب کتاب را در *الرجال نجاشی* با *الفهرست* طوسی مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم از پنجاه و دو طریقی که نجاشی به واسطه ابن‌قولویه به این افراد رسانده است، چهل راوی منحصراً با سنددهی ابن‌قولویه بوده و هیچ رجالی، فهرست‌نگار یا محدث دیگر آن‌ها را برای نجاشی نقل نکرده است.

اسامی این چهل تن را بر اساس *الرجال* نجاشی، انتخاب کردیم و بازتاب آن‌ها و طرق کتابشان را در *الفهرست* طوسی در جدول یک نشان دادیم. بر اساس جدول یک، راویانی که نجاشی منحصراً از طریق ابن قولویه کتاب آن‌ها را نقل کرده، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

جدول ۱. راویان صاحب کتابی که ابن‌قولویه به نجاشی رسانده است:

ردیف	الرجال نجاشی	الفهرست‌طوسی	ردیف	الرجال نجاشی	الفهرست‌طوسی
۱.	احمدبن‌اسماعیل‌بجلی	بدون طریق به کتاب	۲۱.	ربیعه بن سمیع	ندارد
۲.	حسن‌بن‌ابی‌عقیل	بدون طریق به کتاب	۲۲.	جعفربن‌یحیی‌بن‌علاءرازی	ندارد
۳.	عبدالعزیز جلودی	بدون طریق به کتاب	۲۳.	حاتم بن اسماعیل	طریق ابن‌بطه
۴.	حسین‌بن‌شاذویه	بدون طریق به کتاب	۲۴.	محمد بن ولید خزاز	طریق ابن‌بطه
۵.	حسن‌بن‌علی حجال	بدون طریق به کتاب[1]	۲۵.	محمد بن حکیم خثعمی	طریق ابن‌بطه
۶.	امیه بن علی	ندارد	۲۶.	محمد بن‌سلیمان دیلمی	طریق ابن‌بطه
۷.	بسطام بن مره	ندارد	۲۷.	محمد بن مرازم	طریق ابن‌بطه

۱. میان راویان شیعی، سه راوی ملقب به حجّال (حجله‌فروش) داریم: **اول؛** ابومحمد عبدالله بن محمد حجّال کوفی، راوی موثق و متکلم طبقهٔ امام رضا (ع) [۱۲، ص۳۶۰؛ ۱۳، ص۱۶۷؛ ۲۱، ص۲۲۶]، **دوم؛** ابومحمد حسن بن علی حجّال قمی، شریک تجاری ابن‌ولید (۳۴۴ق) و استاد ابن‌قولویه [۲۱، ص۴۹]، **سوم؛** احمد بن سلیمان حجّال، استاد برقی که نجاشی و طوسی هر دو با سند ابن‌بطه تا برقیِ پدر، کتاب احمد سلیمان را طریق می‌دهند [۱۲، ص۴۱۷؛ ۱۳، ص۸۵؛ ۲۱، ص۱۰۰]. در این میان، نجاشی به هر سه حجّال با مشخصات کامل و طریق به کتاب‌هایشان اشاره می‌کند؛ اما شیخ طوسی به استاد ابن‌قولویه، حسن بن علی حجّال، تصریحی ندارد و فقط با کنیهٔ مبهمِ ابومحمد حجّال به فردی اشاره می‌کند [۱۲، ص۱۸۷] که احتمالاً وی همان استاد ابن‌قولویه است؛ زیرا دو راوی اول و سوم را قبلاً معرفی کرده است. نکته اینجاست، طریقی که شیخ، برای ابومحمد حجّال ارائه می‌دهد، همان طریق مشترک نجاشی و شیخ برای احمد بن سلیمان حجّال است که از ابن‌بطه به پدر برقی می‌رسد و قطعاً متعلق به حجّال قمی نیست؛ زیرا از نظر زمانی حداقل چهار نسل قبل‌تر قرار گرفته است. از این‌رو این طریق را افزودهٔ طوسی یا فردی دیگر، ذیل ابومحمد حجّال می‌دانیم و به عبارت ساده‌تر طوسی برای حجّال قمی، استاد ابن‌قولویه، طریق ندارد.

۸.	جعفر بن احمد سمرقندی	ندارد	۲۸.	معلی بن محمد بصری	طریق ابن‌بطه
۹.	حسن بن خرزاذ	ندارد	۲۹.	مروک بن عبید	طریق ابن‌بطه
۱۰.	حسین بن اشکیب	ندارد	۳۰.	زید الزراد	طریق صدوق از پدرش
۱۱.	حمزه بن یعلی	ندارد	۳۱.	سعدبن‌عبدالله اشعری	طریق صدوق از پدرش
۱۲.	سلیمان بن خالد اقطع	ندارد	۳۲.	سالم بن‌ابی‌سلمه	طریق صدوق از پدرش
۱۳.	عاصم الکوزی	ندارد	۳۳.	علی بن مهزیار	طریق صدوق از پدرش
۱۴.	علی‌بن‌محمدقولویه (برادر)	ندارد	۳۴.	عباس بن عامر	طریق صدوق از پدرش
۱۵.	عبدالله‌بن‌عامربن‌عمران- اشعری	ندارد	۳۵.	محمد بن اورمه	ابن‌ابی‌جید رازی
۱۶.	صابر مولی بسام	ندارد	۳۶.	کشی	طریق تلعکبری
۱۷.	محمدبن‌عبدالمؤمن المؤدب	ندارد	۳۷.	حسین‌بن‌ابی غندر	طریق مجهول[۱]
۱۸.	محمدبن حسن میثمی	ندارد	۳۸.	محمدبن‌احمدصابونی	طریق مجهول[۲]
۱۹.	محمدبن‌علی‌بن‌ابراهیم- همدانی	ندارد	۳۹.	احمدبن‌اصفهبذ	طریق ابن‌قولویه
۲۰.	نصر بن صباح بلخی	ندارد[۳]	۴۰.	کلینی	طریق ابن‌قولویه

الف. راویان صاحب کتابی که نجاشی با طریق ابن‌قولویه آورده است؛ اما در *الفهرست* طوسی اصلاً ذکر نشده‌اند [به ترتیب راویان جدول نک: ۲۱، ص۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۱، ۴۴، ۴۴، ۱۴۱، ۱۸۳، ۳۰۱، ۲۶۲، ۲۱۸، ۲۰۳، ۳۷۸، ۳۶۳، ۳۴۴، ۴۲۸، ۱۲۶، ۸]. تعداد این افراد هفده نفر است و بیشترین تعداد راویان از مجموع چهل نفر را تشکیل می‌دهند. برای کشف علت ذکر نکردن شیخ طوسی، چندین گمانه‌زنی را می‌توان مطرح کرد که دربارۀ آن‌ها در بخش مربوط به شیخ طوسی و ابن‌قولویه سخن خواهیم گفت.

ب. راویان صاحب کتابی که شیخ طوسی آن‌ها را صاحب کتاب دانسته [نک: ۱۳، ص۷۷، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۱۰، ۱۸۷؛ ۲۱، ص۹۷، ۴۸، ۲۴۱، ۶۵، ۴۹] و ذکر کرده اما طریقی برای کتاب این افراد نشان نداده است یا احتمال دارد طریق شیخ، بعدها از کتاب

---

۱. محدث نوری این طریق را به سبب برخی راویان حاضر در آن ناشناخته و مجهول ارزیابی کرده است [۲۰، ج۶، ص۱۰۶].

۲.محدث نوری این طریق را نیز به سبب دو راوی که هر دو ناشناخته هستند، مجهول ارزیابی کرده است [۲۰، ج۶، ص۳۸۶].

۳. طوسی در *الرجال* وی را همانند مشخصاتی که نجاشی داده [۲۱، ص۴۲۸]، معرفی می‌کند [۱۲، ص۴۴۹]؛ با این همه در *الفهرست* از وی و کتابش یاد نمی‌کند.

الفهرست افتاده و حذف شده باشد. تعداد این راویان پنج تن است که از قضا همگی از اساتید ابن‌قولویه هستند.

ج. راویانی که شیخ آن‌ها را ذکر کرده و طریق داده اما طریق وی متفاوت از نجاشی [۲۱، ص۱۴۷، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۶۵، ۴۱۸، ۴۲۵، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۹۱، ۲۵۳، ۲۸۱، ۳۲۹، ۳۷۲، ۵۵] است. شیخ طوسی بیشتر این طرق را از مشایخ قمی انتخاب کرده است؛ ابن‌بطه [۱۳، ص۱۲۱، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۰۶، ۲۳۵، ۲۴۷، ۲۵۰] و پس از آن، شیخ صدوق [۱۳، ص۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۸۹]، راوی اکثر کتاب‌های این افراد هستند؛ گرچه طرق مجهول و ضعیف [۱۳، ص۱۱۴، ۲۸۱] هم در میان اسناد شیخ طوسی دیده می‌شود. در نتیجه باید گفت شیخ، طرق قمی دیگر و گاه طرق مجهول را بر طریق ابن‌قولویه ترجیح داده است.

د. طرق مشترک شیخ طوسی [۱۳، ص۷۶، ۲۱۱] با نجاشی [۲۱، ص۹۷، ۳۷۷]، در اسناد ابن‌قولویه، که تنها شامل دو راوی صاحب کتاب می‌شود. این تعداد بسیار اندک نشان می‌دهد، *الفهرست* ابن‌قولویه تأثیر کمرنگی بر *الفهرست* شیخ طوسی داشته است.

دستهٔ پنجمی هم می‌توان افزود که در چهار دستهٔ قبلی پراکنده هستند و آن‌ها شامل راویان صاحب کتابی می‌شوند که ابن‌قولویه مستقیم خود به طرق آن‌ها سند داده و همگی از اساتید ابن‌قولویه هستند. ابن‌قولویه کتاب‌های ده راوی را مستقیم از اساتید خود شنیده است؛ یعنی کتاب‌ها متعلق به اساتید بدون واسطهٔ وی هستند. ذیل نام این افراد در جدول، خط کشیده شده است.

در شمار این ده استاد، کلینی (۳۲۹ق) برجسته‌ترین محدث است که نجاشی غالب کتاب‌ها؛ و شیخ طوسی همهٔ کتاب‌های کلینی را با واسطهٔ شیخ مفید، غضائری و ابن‌نوح تنها از ابن‌قولویه دریافت کردند [۱۳، ص۲۱۱؛ ۲۱، ص۳۷۷]. شیخ طوسی در کتاب‌های حدیثی خود نیز مطابق این طریق عمل کرده و احادیث کلینی را به کمک اسناد ابن‌قولویه نقل می‌کند [برای نمونه نکـ: ۱۵، ج۱، ص۹، ۱۰، ۱۳، ۲۵...].

پس از کلینی، عبدالعزیز بن عیسی جلودی (۳۳۲ق) استاد مشهورتر و مستقیم ابن‌قولویه است. بنابر شمارش ما، جلودی، دویست و دو کتاب داشته که به ابن‌قولویه اجازهٔ نقل آن‌ها را داده است و نجاشی نیز همه را یک به یک نام می‌برد [۲۱، ص۲۴۰-۲۴۴]. با این همه جای شگفتی است که شیخ طوسی در عین حال که جلودی را در زمرهٔ راویان صاحب کتاب، فهرست کرده است، اما هیچ طریقی به کتاب‌های وی ارائه نمی‌دهد [۱۳، ص۳۰].

کتاب‌های سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ق)، بزرگ محدثان قم و اتصال دهندهٔ اسناد کتاب‌های حدیثی سدهٔ دوم و سوم به عالمان سدهٔ چهارم و پس از آن، به لطف منقولات ابن‌قولویه از پدر و برادرش، به‌صورت انحصاری و کامل در دسترس نجاشی قرار داده شده است [۲۱، ص۱۷۸]. برخلاف نجاشی، شیخ طوسی برای کتاب‌های سعد، دو طریق قمی دیگر انتخاب کرده است؛ یکی از طریق «شیخ صدوق از پدرش از ابن ولید به سعد بن عبدالله» می‌رسد و دیگری از طریق «ابن‌ابی‌جید» به سعد متصل می‌شود [۱۳، ص۱۳۵].

صابونی، ابن‌ابی‌عقیل و کشی دیگر اساتید نام‌آور ابن‌قولویه هستند که نجاشی تنها از طریق وی، کتاب‌های آن‌ها را دریافت کرده و سند داده است [۲۱، ص۳۷۵، ۴۸، ۳۷۲]، در حالی‌که شیخ طوسی برای هر سه نفر، از ذکر و استفادهٔ طرق ابن‌قولویه خودداری کرده است.

۲,۳. شیخ طوسی و ابن‌قولویه

شیخ طوسی برخلاف نجاشی، چندان از کتاب‌شناسی و اسناد ابن‌قولویه در علم رجال بهره نمی‌برد و تنها در پنج طریق برای راویان صاحب کتاب، و آن هم با اسم کامل، یعنی «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی»، از او یاد می‌کند [۱۳، ص۷۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۲۱۱، ۲۱۹]. این، در حالی است که نجاشی با نام مختصر جعفر بن محمد، ضمن اسناد، به ابن‌قولویه اشاره می‌کند. احتمالاً یادکرد ابن‌قولویه با نام کامل و در تعداد معدود نشان می‌دهد، شیخ طوسی بنا نداشته از ابن‌قولویه به دفعات و مکرر استفاده کند، تا اسم مختصری برای وی در نظر گیرد و در استفادهٔ انگشت‌شمار هم، نام کامل وی را ذکر کرده است، تا با جعفر بن محمد دیگری مشتبه نشود. از سوی دیگر، چه بسا ذکر اسم کامل ابن‌قولویه در پنج طریق *الفهرست*، نشان از نامأنوس بودن وی با کتاب‌ها و اسناد ابن‌قولویه باشد. شیخ طوسی درکتاب *الرجال* نیز پنج شاگرد ابن‌قولویه و سال وفات او یعنی سال ۳۶۸ق را ذکر می‌کند [۱۲، ص۴۱۸].

همان‌طور که در جدول مشخص است، از میان فهرست چهل نفرهٔ نجاشی برای راویان انحصاری ابن‌قولویه، شیخ طوسی تنها در دو راوی با نجاشی مشترک است. نام پنج راوی، که از قضا همگی از اساتید ابن‌قولویه هستند، در *الفهرست* طوسی آمده اما طوسی به کتاب‌های آن‌ها طریق نداده یا طریقی که ذکر کرده، اکنون افتاده است. هفده راوی نیز اصلاً نامی از آن‌ها در *الفهرست* طوسی وجود ندارد. شیخ طوسی برای شانزده

راوی صاحب کتاب که نجاشی منحصراً از طرق ابن‌قولویه برای اسناد به آن‌ها استفاده کرده است، طرقی غیر از ابن‌قولویه را انتخاب می‌کند که همگی (به جز دو طریق که مجهول است) قمی هستند. او بیش از همه، از طریق ابن‌بطه استفاده کرده است.

۳. ۲. ۱. طرق ابن‌بُطَّه

ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بُطّه مؤدّب از محدثان بزرگ‌منزلت قم است که «کثیر الادب و الفضل و العلم» وصف شده است [۲۱، ص۳۷۲]. نکتهٔ قابل توجه دربارهٔ وی آن است که در نقل حدیث «متساهل» بوده و سندها را به سبب اجازاتی که داشته «معلق»[۱] می‌کرده است. بر اثر این خطاها، کتاب «*الفهرست*» را دارای غلط بسیار ارزیابی کردند. چنانچه ابن‌ولید در برخوردی سختگیرانه، شخص او را ضعیف و مخلط در اسنادی که می‌دهد، معرفی می‌کند [۲۱، ص۳۷۳]. به هر روی، سندهای *الرجال* نجاشی و *الفهرست* طوسی نشان می‌دهد ابن‌بطه، به سبب اتصال اسناد محدثان کهن قم در سدهٔ سوم به محدثان سدهٔ چهارم و نیز انتقال به محدثان بغداد، اهمیت دارد و گاه منحصر به فرد است. به گفتهٔ ابوالمفضل شیبانی، وی در محلهٔ نوبختیهٔ بغداد منزل داشت و همان‌جا به ایشان اجازهٔ روایت داد [۲۱، ص۳۷۳].

براساس سرشماری تخمینی که ما انجام دادیم، نجاشی بالغ بر صد کتاب را با سندهای ابن‌بطه طریق می‌دهد. به صورت کلی، طرق نجاشی، «از مفید از حسن بن حمزه طبری از ابن‌بطه از برقی» [۲۱، ص۲۹، ۳۷، ۴۰۵...] یا «از مفید از حسن بن حمزه طبری از ابن‌بطه از صفار از احمد بن محمد عیسی اشعری» [۲۱، ص۴۶، ۴۷، ۴۱۴...]، به صاحب کتاب می‌رسد؛ گرچه طریق اول (ابن‌بطه از برقی) رایج‌تر است.

جای شگفتی است که طوسی در هیچ‌یک از کتاب‌های رجالی‌اش از شرح حال ابن‌بطه یاد نمی‌کند؛ اما بیشترین تأثیر را از فهرست و کتاب رجالی ابن‌بطه، در کتاب *الفهرست* خود پذیرفته است. شیخ بیش از ۳۵۰ کتاب (حدود ۴۰درصد همهٔ طرق کتاب *الفهرست* شیخ طوسی) را به طریق «ابوالمفضل شیبانی از ابن‌بطه از احمد برقی» و گاه به طریق «ابوالمفضل شیبانی از ابن‌بطه از احمد بن محمد بن عیسی یا دیگران» به صاحب کتاب رسانده است. سخنان شیخ نشان می‌دهد که کتاب فهرست ابن‌بطه را در اختیار داشته؛ زیرا در مواردی پس از نام بردن اسامی کتاب‌های یک راوی، مثلاً برقی یا

---

۱. افتادگی ابتدای سند از سمت نویسندهٔ کتاب را «معلق» می‌خوانند [۱۱، ص۱۰۱].

حمیری که استاد ابن‌بطه بودند، با نام بردن از فهرست ابن‌بطه، کتاب‌های دیگری را می‌افزاید [نکـ : ۱۳، ص۶۴، ۱۶۸، ۲۱۸]. شیخ طوسی گاهی از آراء رجالی ابن‌بطه استفاده می‌کند که نشان می‌دهد، ابن‌بطه بر شناسایی راویان کهن نیز قادر بوده است [۱۳، ص۱۸۳، ۲۱۹]. به هر روی شیخ طوسی طرق ابن‌بطه را با وجود ضعف در سنددهی و تخلیط، بر طرق ابن‌قولویه ترجیح داده است.

۳. ۲. ۲. حذف ابن‌قولویه

با وجود اینکه رجال‌شناسان، طرق ابن‌بطه را به سبب حضور ابوالمفضل و شخص ابن‌بطه ضعیف تلقی کردند [۱۲، ص۲۸۸ به بعد]، پرسش مهمی مطرح می‌شود که چرا شیخ طوسی این طریق را برگزیده و به صورت خاص، به جای طرق ابن‌قولویه جایگزین کرده و به کار برده است؟ این پرسش و ابهام در پس آن، وقتی جدی‌تر می‌شود که دریابیم شیخ طوسی پنج استاد و راوی منحصر به فرد ابن‌قولویه را که نجاشی به آن‌ها فقط از طریق ابن‌قولویه، دسترسی داشته، آورده و شرح حال و اسامی کتاب‌های آن‌را نیز ذکر کرده؛ اما از آوردن طریق ابن‌قولویه به این افراد خودداری کرده است. چند احتمال و فرضیه دربارۀ این اتفاق می‌توان مطرح کرد.

نخست آنکه شیخ طوسی به عمد، از طرق و کتاب‌های ابن‌قولویه و اسنادی که نام وی در آن‌ها بوده، پرهیز کرده است. احتمال دوم را می‌توان چنین گمانه‌زنی کرد که او نسخه *الفهرست* ابن‌قولویه یا مسموعات شیخ مفید از ابن‌قولویه را در اختیار نداشته است؛ زیرا شیخ مفید آن‌ها را در جوانی شنیده و پس از تغییر برخی دیدگاه‌ها و آرائش، این مکتوبات را کنار نهاده و منتقل نکرده است؛ از سوی دیگر نجاشی که ده سال جوان‌تر از شیخ طوسی بوده، احتمالاً این نسخه‌ها را بنا بر نقل استادش، شیخ مفید، زودتر از شیخ طوسی، داشته یا دریافت کرده است. در دیدگاه سوم می‌توان نقش فرد سومی را دخیل دانست که پس از عصر شیخ طوسی، برخی اسامی و طرق کتاب *الفهرست* را پاکسازی کرده باشد.

شاید توجه به اختلاف فقهای سدۀ چهارم و پنجم دربارۀ برخی مسائل فقهی مانند دیدگاه «عددیه» و دیدگاه «رؤیت» دربارۀ تعداد روزهای ماه رمضان، بتواند راهگشا باشد. به نظر می‌رسد شیخ مفید که در اوان جوانی در محضر ابن‌قولویه درس خوانده، بنا بر پیروی از استادش، نظریۀ اعداد را برگزیده است. او پس از درگذشت استاد، در میانسالی،

تغییر دیدگاه داده و نظریهٔ رؤیت را انتخاب کرده و به شدت از آن دفاع کرده است [برای تفصیل بیشتر نکـ : ۳، ج۱، ص ۳۳-۳۵]. بیش از شیخ مفید، شاگردان وی، شریف مرتضی و شیخ طوسی، کوشیدند فقه امامیه را بر اساس روایات نقصان ماه رمضان و انتخاب ملاک رؤیت هلال ماه پایه‌ریزی کنند. احتمال دارد همسو با این مبنای فقهی جدید، به معتقدان و نوشته‌های مربوط به نظریهٔ عدد (دیدگاه فقهی پیشین) کم توجهی شده باشد؛ تا جایی که از این عالمان و کتاب‌هایشان نشانی نماند. قرینهٔ این رخداد را می‌توان در از بین رفتن کتاب‌های مربوط به العدد و مسئله العدد (دربارهٔ نظریهٔ عدد ماه رمضان)، دانست که حتی کتاب اول شیخ مفید در تأیید نظر استادش ابن‌قولویه (نظریهٔ عدد) از بین رفته؛ در حالی‌که کتاب دوم در تأیید نظریهٔ رؤیت باقی مانده و اکنون نیز چاپ شده است. ارتباط بین وانهادن کتاب‌های فقهی ابن‌قولویه و کم‌توجهی به کتاب‌های رجالی وی، شاید به نظر دشوار برسد؛ اما احتمالی است که نمی‌توان آن‌را رها کرد. بنابراین احتمال دارد ترک سندها و نسخه‌های دیدگاه اول (نظریهٔ عددیه)، به صورت عدم استنساخ و رونویسی کتاب‌های این‌موضوع و نیز عدم نقل و انتشار آن‌ها و حتی بی‌توجهی به این آثار، می‌توانسته راه‌حلی برای تثبیت دیدگاه رؤیت بوده باشد.

مؤید این نظر، مقایسهٔ لیست اسامی کتاب‌های ابن‌قولویه در *الرجال* نجاشی و *الفهرست* شیخ طوسی است [۱۳، ص۹۲؛ ۱۸، ص۱۲۴]. در لیست *الفهرست* شیخ طوسی، هیچ نشانی از سه کتاب ابن‌قولویه که مربوط به دیدگاه عددیه است، دیده نمی‌شود. مشابه آن، ابوالفضل صابونی استاد ابن‌قولویه است که بنابر شمارش ما بیش از ۷۰ کتاب برای وی یاد شده [۲۱، ص۳۷۵] و کتاب *العدد* داشته، اما در *الفهرست* شیخ طوسی، فقط با دو کتاب، بدون مدح و وثاقت، بدون طریق ابن‌قولویه و نیز با حذف ذکر کتاب *العدد*، وی معرفی می‌شود [۱۳، ص۲۸۱].

۴. سفرهای ابن‌قولویه

پس از آغاز سدهٔ چهارم، گروهی از محدثان قمی سفر و گاه رحل اقامت در شهرهای دیگر را آغاز کردند. کلینی (۳۲۹ق) از این دسته است که از قم و ری به بغداد آمد و در آنجا درگذشت. شیخ صدوق (۳۸۱ق) نیز از قم و ری درآمد و در شهرهای خراسان و نیشابور حدیث شنید و چندین بار به عراق و بغداد سفر کرد. ابن‌قولویه را نیز باید از رَحّالان و کوچ‌کنندگان حدیثی نام برد که برخی مسموعات و سندهای او نشان می‌دهد،

تا مصر و آفریقا نیز در پی حدیث رفته و آن‌ها را به بغداد بازآورده است. از توجه دقیق به اسناد طرق *الرجال* نجاشی و *الفهرست* شیخ طوسی می‌توان ره‌آورد سفرهای ابن‌قولویه و میزان انتقال دفاتر حدیثی هر شهر و حوزۀ حدیثی را دریافت.

۴. ۱. جغرافیای انتقال حدیث

اگر *الرجال* نجاشی و *الفهرست* طوسی را ملاک مطالعه قرار دهیم، مجموع پنجاه و دو راوی و محدث صاحب کتابی که ابن‌قولویه واسطۀ انتقال آن‌ها بوده‌است، به چهار حوزۀ حدیثی و زیرمجموعه‌های آن قابل تقسیم است. اشاره شد که شیخ طوسی در شرح‌حال تنها پنج راوی، از طرق یا نام ابن‌قولویه استفاده کرده است که همۀ این پنج طریق، به جز کتاب حریز بن عبدالله سجستانی [۱۳، ص۱۱۸]، در طرق *الرجال* نجاشی ذکر شده‌اند [۱۳، ص۷۶، ۱۲۰، ۲۱۱، ۲۱۹؛ ۲۱، ص۹۷، ۳۷۷، ۳۲۷]. جزئیات جغرافیای این پنجاه و دو راوی را می‌توان در جدول دو مطالعه کرد.

«قم» با چهارده محدث، بیشترین آمار را میان راویان صاحب کتابی که ابن‌قولویه کتاب آن‌ها را نقل کرده، داراست. بیشتر این محدثان قمی، متعلق به سدۀ سوم به بعد و چهار تن از خاندان اشعری هستند که بیشتر محدثان سدۀ دوم، سوم و چهارم قم از آن برخاستند. پس از قم، کوفه قرار دارد. سیزده راوی که بیشتر از راویان کهن شیعی و از یاران صادقین(ع) بودند، در زمرۀ آنان دیده می‌شوند. این راویان معمولاً به واسطۀ اساتید قمی یا برخی مشایخ مصری، در فهرست منقولات ابن‌قولویه ذکر شدند. به نظر می‌رسد هم‌جواری قم و ری، سبب شده کتاب‌های برخی محدثان رازی، به خصوص محدث مشهور شیعه، ابوجعفر کلینی، در اختیار ابن‌قولویه قرار گیرد. سفر ابن‌قولویه به خراسان و ماوراءالنهر، مصادر و دفاتر حدیثی این شهرهای ایرانی را نیز به دست ابن‌قولویه رسانده و وی راوی آن‌ها برای شیخ مفید و غضائری بوده است. همچنین دسترسی ابن‌قولویه به کتاب‌های علی بن مهزیار، با واسطۀ نوادگان او صورت گرفته [۲۱، ص۲۵۳] که احتمال دارد در سفری به قم از آن‌ها حدیث شنیده باشد یا برعکس، ابن‌قولویه به اهواز و خوزستان گذر کرده باشد. همین دو احتمال دربارۀ اساتید همدانی [۲۱، ص۳۴۴] و اصفهانی [۲۱، ص۱۷] وی مطرح است. با این همه اسناد ابن‌قولویه نشان می‌دهد او قطعاً به مصر [۲۱، ص۲۹۸] و بغداد رفته و از اساتید آنجا حدیث شنیده است.

جدول ۲. تقسیم‌بندی جغرافیایی راویان و اساتید ابن‌قولویه:

قم	کوفه	ماوراءالنهرودیگرشهرهای ایران	دیگرنواحی
محمدبن‌عبدالمؤمن	ابوحمزه‌ثمالی(۱۵۰ق)	خراسان: کشی	مصر: محمدبن‌احمدصابونی
محمدبن احمدبن-یحیی‌اشعری	عاصم الکوزی[۱]	حریزبن‌عبدالله‌سجستانی	مدینه: حاتم‌بن‌اسماعیل(۱۸۶ق)
عبدالله‌بن‌عامراشعری	زید الزراد	سالم‌بن‌ابی‌سلمه سجستانی	بغداد: ابن‌ابی‌عمیر(۲۱۷ق)
حمزه‌بن‌یعلی‌اشعری	محمدبن‌حکیم	حسین‌بن اشکیب[۲] مروزی	عیسی‌بن‌مستفادبجلی
سعدبن‌عبدالله‌اشعری (۳۰۱ق)	ظریف‌بن‌ناصح	جعفربن‌أحمدبن‌أیوب‌سمرقندی	بصره: عبدالعزیزجلودی(۳۳۲ق)
حسن بن خرزاذ[۳]	حسین‌بن‌أبی‌غندر	نصربن‌صباح بلخی	معلی بن محمد
علی‌بن‌محمدبن‌قولویه (برادر)	عباس‌بن‌عامرثقفی[۴]	ری: کلینی(۳۲۹ق)	مدائن: محمدبن‌مرازم ساباطی
محمدبن‌اورمه	محمدبن‌ولیدخزاز	جعفربن‌یحیی‌بن‌علاء	عُمان:[۵] حسن بن ابی عقیل
حسن‌بن‌علی‌حجّال	احمدبن‌ابی‌نصربزنطی (۲۲۱ق)	سهل‌بن‌زیادآدمی	نامعلوم: ربیعه‌بن‌سُمیع
حسین‌بن‌شاذویه	عبدالله‌بن‌محمد طیالسی[۶]	علان کلینی	صابرمولی بسام
احمدبن‌اسماعیل‌بجلی	محمدبن‌حسن‌بن‌زیادمیثمی	اهواز: علی‌بن‌مهزیار	بسطام بن مره
أحمدبن إصفهبذ	سلیمان‌بن‌خالداقطع	همدان: محمدبن‌علی‌بن‌ابراهیم	
مَروَک‌بن‌عبید	محمدبن‌سلیمان دیلمی[۷]	اصفهان: ابراهیم‌بن‌محمدثقفی(۲۸۳)	
امیهٔ بن علی[۸]			

۱. نجاشی در شرح‌حال برادرزاده‌اش، سماعه بن سلیمان کوزی، سماعه را کوفی می‌خواند [۲۱، ص۱۸۴]، به سبب این قرینه، عاصم را نیز کوفی قلمداد کردیم.

۲. نجاشی به نقل از کشی یک بار او را خراسانی و اهل مرو و ساکن سمرقند و کش می‌خواند و بار دیگر به نقل از همو، حسین بن اشکیب را قمی و خادم القبر (احتمالاً متولی مرقد حضرت معصومه (س)) می‌داند [۲۱، ص۴۴].

۳. طوسی یک بار وی را قمی و بار دیگر از اهالی کش معرفی می‌کند [نکـ : ۱۲، ص۴۱۴ و ۴۶۴].

۴. به شهر و وطن وی تصریح نشده بود؛ اما به سبب نقل زیاد عباس بن عامر از راویان کوفی، وی را در زمرهٔ کوفیان به تخمین ذکر کردیم.

۵. عُمان منطقه‌ای ساحلی در جنوب غربی شبه جزیره و همان کشور عمان امروزی است که ابن‌ابی-عقیل بدان منسوب شده و احتمالاً در آنجا ساکن بوده است. عَمّان نیز شهری در شام قدیم و اردن امروزی است [نکـ : ۹، ج۹، ص۳۶۴-۳۶۶].

۶. گرچه نجاشی دربارهٔ شهر و وطن عبدالله بن محمد طیالسی اطلاعاتی نمی‌دهد [۲۱، ص۲۱۹]، اما طوسی در *الرجال*، وی را کوفی می‌خواند [۱۲، ص۴۰۰].

۷. نجاشی در شرح حال پدرش، سلیمان بن عبدالله دیلمی می‌آورد که وی اصالتاً اهل کوفه است و به سبب سفرهای تجاری زیاد به ایران، به خصوص خرید و فروش اسیران دیلمی و حمل آن‌ها به کوفه و دیگر شهرها به دیلمی منسوب شده است [۲۱، ص۱۸۲].

۸. نجاشی او را با لقب «شامی» یاد می‌کند [۱۸، ص۱۰۵] و ابن‌غضائری وی را از زمرهٔ «قمّیون» می‌خواند [۴، ص۳۸].

۴. ۲. تأثیر ابن‌قولویه در حوزه‌های حدیث شیعه

مهمترین حوزه‌های حدیث شیعه در روزگار ابن‌قولویه، قم و ری در ایران و کوفه و بغداد در عراق بوده که ابن‌قولویه در همۀ آن‌ها حاضر بوده است. از این‌رو جا به جا کردن حدیث این مراکز به واسطۀ ابن‌قولویه، امری مسجل و روشن است. اگر به تفکیک تاریخی و شکل‌گیری و اهمیت این مکاتب حدیثی بخواهیم، آن‌ها را برشماریم، ابتدا از کوفه و سپس از قم و ری و سرانجام بغداد باید یاد کنیم.

۴. ۲. ۱. سدۀ دوم: کوفه

اگر خط سیر و تطور سفرهای حدیثی مکتوبات شیعه را از سدۀ دوم تا سدۀ چهارم و پنجم پی بگیریم، به نظر می‌رسد اولین دفاتر و کتاب‌های حدیثی شیعه در کوفه شکل گرفته است. آغاز تدوین نوشته‌ها و کتاب‌های حدیثی نخستین، بر اساس سال‌شمار زندگی راویان کوفی قابل ردیابی است. پس از خلافت و حکومت امام علی (ع) در شهر کوفه و شهادت ایشان در این شهر، کوفه پایگاه تشیع شد و به مرور عالمان و علاقمندان به شیعه را به خود جذب کرد. رجال‌شناسان در شمار اصحاب امام علی تا صادقین (ع)، افراد زیادی را نام می‌برند که از شهرهای مدینه، بصره، یمن، مدائن، خراسان و بلخ به کوفه کوچ کردند و ساکن آن شدند [۱۲، ص۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۹، ۱۵۶، ۲۵۴، ۲۷۶؛ ۱۳، ص۳۸؛ ۲۱، ص۳۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۳۰۵]. معمولاً رجال‌شناسان برای این افراد تعبیر «سکن الکوفه» یا «نزل الکوفه» را ذکر کردند. با این همه مکتب کوفه نتوانست همیشه پررونق بماند و به جهات مختلف، از جمله اختلافات فکری و فرقه‌ای، رو به افول نهاد و مکتب حدیثی شیعه به مراکز دیگر انتقال یافت [نکـ : ۹، ص۱۱۹؛ ۷، ص۱۱۵].

۴. ۲. ۲. سدۀ سوم: قم و خراسان ری

قم و ری را معمولاً به صورت مشترک با عنوان حوزه و مکتب حدیثی قم می‌شناسند. ری از ابتدای تاریخ اسلام و قرن اول، شهر مهم ایرانی برای خلفای اموی و عباسی بود. پس از قیام‌های زیدیه و اسماعیلیه و سرازیر شدن سادات حسنی و حسینی به ایران، ری همواره معرکۀ درگیری‌های سیاسی- مذهبی، میان فرقه‌های مختلف شیعه بود [نکـ : ۲۳، ص۱۵۹ به بعد]. اما شهر قم، به ویژه در اواخر قرن سوم، به صورت یکپارچه پایگاه شیعۀ امامیه بود [۲۳، ۱۶۴]. ابراهیم بن هاشم نخستین کوفی است که حدیث

شیعه را به قم برده است [۱۳، ص۳۶؛ ۲۱، ص۱۶]. البته نباید نیاکان و خاندان برقی را از قلم انداخت که در اصل کوفی بودند و در نیمهٔ اول سدهٔ دوم به نواحی اطراف قم گریختند [۱۳، ص۶۲؛ ۲۱، ص۷۶].

پس از سدهٔ دوم، بسیاری از عالمان قم، مانند خاندان اشعری قمی به برداشت و یادداشت حدیث از محدثان کوفه علاقمند شدند و برای سفرهای سالیانه یا چند سال یک بار، به کوفه کشانده شدند. برای نمونه ماجرای یکی از سفرهای احمد بن‌محمد بن‌عیسی در منابع رجالی نقل شده: «قال خرجت إلی الکوفه فی طلب الحدیث...» [۲۱، ص۳۹]، که نشان می‌دهد این سفرها با هدف کسب حدیث بوده است و از انگیزهٔ زیارتی یا تجاری یاد نمی‌شود. در نمونهٔ دیگر، حمیری از بزرگان قم، نیز تصریح کرده پس از سال ۲۹۰ ق. وارد کوفه شده است [۲۱، ص۲۱۹]. سدهٔ سوم، عصر طلایی و شکوفایی حدیث شیعه با مرکزیت قم است که عالمان و محدثان بی‌شماری مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری، خاندان برقی، صفار قمی، سعد بن عبدالله اشعری و علی بن ابراهیم بن هاشم قمی به ظهور رسیدند و بر نظم و نسق دادن دفاتر حدیثی کوفه به شکل مجامع و کتب حدیثی (مانند شکل‌گیری پدیدهٔ نوادرنویسی و نگارش کتاب‌ها بر اساس ابواب فقهی) و نیز جرح و تعدیل راویان اسناد، با عنایت به اعتقادات راویان (جلوگیری از افکار غالیانه) تأکید داشتند.

۴. ۲. ۲. ۱. ماوراءالنهر

در کنار مکتب حدیثی قم، به پایگاه‌های حدیثی کوچکتری مانند شهرهای خراسان و ماوراءالنهر به ویژه سمرقند باید اشاره کرد. طبق یک کتاب جغرافیایی متعلق به سدهٔ چهارم (۳۷۲ق)، خراسان در آن روزگار به سرزمینی وسیع اطلاق می‌شده است که از مشرق به هندوستان، از جنوب به کوه‌های کرکس، از غرب به گرگان و حدود غور و از شمال به رود جیجون منتهی می‌شد. از این متن برمی‌آید که خراسان و ماوراءالنهر در سدهٔ چهارم یک منطقه تلقی می‌شدند و به هم پیوسته بودند: «پادشای خراسان اندر قدیم جدا بودی و پادشای ماوراءالنهر جدا و اکنون هر دو یکی‌ست و میر خراسان به بخارا نشیند» [۲۲، ص۸۸ و ۸۹].

طوسی بیش از پنجاه راوی از ناحیهٔ ماوراءالنهر معرفی می‌کند که بیشتر شاگردان،

غلمان و راویان عیاشی و اهل شهرهایی مانند سمرقند، کش،[1] مرو، بخارا، بلخ، فاریاب[2] و چاچ[3] بودند [نک : ۱۲، ص۴۰۸، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۵۰...]. این حوزهٔ حدیثی- رجالی شیعی در سدهٔ سوم و چهارم در اوج قرار داشته است؛ چنان‌که راویان و محدثانی را از دیگر شهرهای ایران همانند قم، ری، قزوین، طبرستان و کرمان به خود جذب کرده است [نک : ۱۲، ص۴۱۷، ۴۵۲؛ ۲۱، ص۲۶۷]. به نظر می‌رسد دو عامل اصلی رونق سمرقند؛ «حضور عیاشی» و «سفرهای حدیثی میان قم و سمرقند» است.

الف. عیاشی در سمرقند

حضور ابونضر محمد بن مسعود عیاشی (۳۲۰ق) اصلی‌ترین عامل رونق حدیث در سمرقند بوده است. وی به تنهایی عامل رشد دهنده و تربیت‌کنندهٔ محدثان شیعی زیادی در این شهر و نواحی اطراف آن است. نجاشی در وصف خانهٔ او که سیصدهزار دینار سرمایهٔ پدری را در آن خرج کرده، می‌آورد: «خانه‌اش سبزه‌زاری برای شیعه و اهل علم بود»؛ زیرا قاری و نسخه‌بردار و مقابله‌کنندهٔ نسخه‌ها، همزمان در آنجا حضور داشتند [۶، ص۲۴۴؛ ۱۰، ص۴۴۰؛ ۱۳، ص۲۱۱؛ ۲۱، ص۳۵۰، ۳۷۲]. در وصف عیاشی گفته شده که حدیث را از کوفه، قم و بغداد فراگرفته [۱۸، ص۳۵۱] و همان‌طور که انتظار می‌رود این کتاب‌ها و اسناد را به سمرقند برده و منتشر کرده است.

ب. سفرهای محدثان میان قم و سمرقند

پس از حضور عیاشی در سمرقند، رحلات حدیثی عالمان این دیار به قم و یا برعکس از قم به سمرقند، سبب گسترش منابع و دفاتر حدیثی شیعه در ماوراءالنهر و خراسان شد.

رجال‌شناسان، کشی و چند راوی سمرقندی دیگر را نام برده‌اند که از پدر ابن‌قولویه حدیث اخذ کرده‌اند [۱۲، ص۴۲۱]. طبق شمارش ما، کشی «شصت و دو» روایت در جرح و تعدیل راویان را به نقل محمد بن قولویه (پدر) از سعد بن عبدالله اشعری در *الرجال* خود ذکر کرده که رقم قابل توجهی است [برای نمونه نک : ۱۹، ج۱، ص۲۸، ۲۹،

---

۱. شهری باستانی نزدیک سمرقند [۹، ج۵، ص۷۸]، که امروزه به آن شهر سبز می‌گویند و در ازبکستان قرار دارد.

۲. شهری از نواحی بلخ [۹، ج۴، ص۳۷۶]، که امروزه در افغانستان قرار دارد.

۳. شهری ورای رودخانهٔ سیحون که از حدود ترکستان محسوب می‌شده [۹، ج۳، ص۳۷۵]، و امروزه نزدیک تاشکند در ازبکستان است.

۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۴۷...؛ ج۲، ص۴۸۳، ۴۸۹، ۵۴۰، ۵۹۰-۵۹۴...]. کشی ابتدای برخی سندها، طرق تحمل خود از محمد بن قولویه را با عبارت «حدثنی» مشخص می‌کند که نشان می‌دهد وی به صورت مستقیم و شنیداری (سماع) از وی این احادیث را گرفته است؛ بنابراین باید گفت: کشی در برهه‌ای از زمان مقیم قم بوده است. افزون بر آن، کشی از دیگر اساتید قمی نیز روایت دارد [برای نمونه نک: ۱۹، ج۱، ص۲۸؛ ج۲، ص۷۹۲]، که به معنای اقامت نه چندان کوتاه کشی در قم است. عبارات کشی در *الرجال* حاکی است که وی مسموعات خود از اساتید قمی را نزد عیاشی برده و او نیز برخی از آن‌ها را جرح و تعدیل کرده است [۱۹، ج۲، ص۸۱۲].

به جز کشی، ما راویان زیادی در منابع رجالی می‌یابیم که ساکن قم بودند و از اهالی خراسان و ماوراء النهر معرفی شده‌اند؛ برای نمونه حسین بن اشکیب که ابن‌قولویه کتابش را روایت کرده، «قمی» (از خادمان مزار و مضجع حضرت معصومه (س))، «مروزی» و «مقیم کش و سمرقند» معرفی شده است [۱۲، ص۳۸۶؛ ۲۱، ص۴۴]. نمونه‌های دیگری نیز از اساتید خراسانی، سمرقندی، بخاری و حتی قمی یافت می‌شود که مدتی در شهر قم و مدتی در خراسان و ماوراءالنهر ساکن بودند [نک: ۱۲، ص۳۸۶، ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۹]. این سفرهای حدیثی قطعاً باعث رفت و آمد اسناد و مجموعه‌های حدیثی شیعه از قم به خراسان و ماوراءالنهر شده است [برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ سفر حدیث‌پژوهان به ماوراءالنهر نک: ۱۶، ص۲۲۵ به بعد].

۴. ۲. ۳. سدهٔ چهارم: بغداد

پس از شکل‌گیری مکتب اشاعره در اوایل قرن چهارم، منازعات کلامی با معتزلیان که بیش از همه در بغداد، پایگاه داشتند، رونق گرفت و دانشمندان شهرهای دیگر جهان اسلام، به حضور و تدریس در پایتخت افسانه‌ای جهان اسلام علاقمند شدند. سعد بن عبدالله، خاندان ابن‌قولویه، ابن‌ولید و خاندان ابن‌بابویه در سدهٔ چهارم راه محدثان پیشین قمی را پی گرفتند و روش آن‌ها را تثبیت کردند؛ با این تفاوت که کم‌کم سفرهای حدیثی قمی‌ها به بغداد و عراق و مدتی اقامت و تدریس در آنجا آغاز شد. نمونهٔ برجسته آن، کلینی (۳۲۹ق) است که بنابر تحلیل برخی پژوهشگران معاصر، تدوین *الکافی* واکنشی از جانب گفتمان حدیث‌گرای نخبگان قم در برابر گفتمان عقل‌گرای بغداد بود [۲۳، ص۲۷۱]. کلینی از قم و ری به بغداد آمد و کتاب *الکافی* را

عرضه و املا کرد؛ املای وی در باب الکوفهٔ بغداد، درب السلسله، به سال ۳۲۷ ق. ثبت شده است [نکـ : ۱۴، ج۴، ص۳۱۰]. ابن‌بابویه، پدر شیخ صدوق (۳۲۹ق)، شیخ صدوق (۳۸۱ق) و ابن‌شهریار قمی (۳۴۰ق) نیز از ری و قم به بغداد و عراق سفر کردند، حدیث شنیدند و حدیث محدثان قمی را نقل کردند [۲۱، ص۲۶۲، ۳۸۹، ۱۲۳؛ برای سفر دیگر محدثان ایرانی سدهٔ چهارم، به بغداد نکـ : ۲۱، ص۶۴، ۲۶۷، ۳۸۴]. حدیث شیعه، پس از سفر به قم، از خراسان و ماوراءالنهر و گاه مستقیم از قم، به بغداد و عراق بازگردانده شده است. برای نمونه، نجاشی از ابوالحسن علی بن محمد قزوینی یاد می‌کند که سال ۳۵۶ق وارد بغداد شده و اولین بار قطعه‌ای از کتاب‌های عیاشی را به بغداد آورده است [۲۱، ص۲۶۷؛ و نیز نکـ : ۶، ص۲۴۴].

به‌جز کوچ محدثان قمی به بغداد، شماری از محدثان کوفی نیز نام برده شده‌اند که پس از سدهٔ چهارم به بغداد روی می‌آورند. مشهورترین آن‌ها ابن‌عقده (۳۳۲ق) است که سه بار به بغداد سفر کرده است [نکـ : ۸، ج۵، ص۲۲۲؛ ۱۳، ص۷۳؛ و نیز برای نمونه‌های دیگر از سفر محدثان سدهٔ چهارم از کوفه و غیر آن به بغداد نکـ : ۱۳، ص۶۸؛ ۲۱، ص۸۴، ۹۳، ۱۹۲، ۲۳۳، ۳۸۳]. به طور کلی، رابطهٔ مشایخ حدیثی بغداد و کوفه، تیره و همراه با رقابت و اتهام به یکدیگر بوده است [برای اطلاعات بیشتر نکـ : ۱۷، ص۳۴۳].

۵. برآیند

در مجموع، پنجاه و دو راوی صاحب کتاب توسط ابن‌قولویه به منابع فهرست‌نگاری شیعه معرفی شدند که از این میان، سه راوی بین نجاشی و طوسی مشترک است و یک راوی از میان پنجاه و دو راوی را تنها شیخ طوسی در *الفهرست* به واسطهٔ ابن‌قولویه طریق داده و نجاشی ذکر نکرده است. چهل و هشت راوی دیگر، منحصراً در *الرجال* نجاشی به طریق ابن‌قولویه منتقل شده است. از میان آن‌ها نیز چهل نفر را تنها، طریق ابن‌قولویه به *الرجال* نجاشی شناسانده است و نجاشی طریق دیگری برای آن‌ها ندارد. یادداشت‌های نجاشی نشان می‌دهد که او *الفهرست* ابن‌قولویه را در اختیار داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت: تأثیر ابن‌قولویه در انتقال میرات حدیث شیعه، بیش از همه در *الرجال* نجاشی بازتاب دارد. ابن‌قولویه به سبب حضور در سمرقند و استفاده از کشی، از مهمترین شاگردان کشی است که در بغداد حاضر بوده است. از این‌رو راوی *الرجال کشی* در *الرجال* نجاشی است؛ همان‌طور که می‌بینیم، چندین نقل از کشی در *الرجال* نجاشی به واسطهٔ او وجود دارد. مقایسهٔ چهل راوی که انحصاراً ابن‌قولویه در *الرجال* نجاشی معرفی

کرده، با *الفهرست* طوسی، نشان می‌دهد، شیخ طوسی در موارد زیادی یا اسامی و طرق به کتاب‌های این چهل راوی را ندارد یا اگر اسم راوی را آورده، طریقی برای کتاب‌های آنان ذکر نکرده است. برخی از این افراد مانند ابن‌ابی‌عقیل یا عبدالعزیز جلودی از اساتید مشهور ابن‌قولویه هستند. از سوی دیگر طرق جانشین شیخ طوسی برای طرق ابن‌قولویه، از اساتید قمی دیگر که اغلب ضعیف یا مجهول هستند، مانند طرق ابن‌بطه، تشکیل شده است. بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که چرا از طرق و فهرست ابن‌قولویه در *الفهرست* طوسی، استقبال نشده است؟ احتمالی که به سبب چند قرینه می‌توان آن‌را قوی دانست، اختلاف برخی آراء فقهی ابن‌قولویه و شیخ طوسی است که سبب کم‌رنگ شدن تأثیر نوشته‌های ابن‌قولویه در بغداد سال‌های ۴۵۰ق. است و حتی کوشش در نادیده گرفتن و وانهادن طرق انحصاری او در *الفهرست* طوسی دیده می‌شود.

از سوی دیگر، مطالعهٔ پنجاه و دو راوی *الرجال* نجاشی، بر اساس شهر و زادگاه هر راوی نشان داد، ابن‌قولویه آثار محدثان و راویان قم را بیش از دیگر مناطق به بغداد آورده است. پس از آن، بیشترین دفاتر حدیثی منتقل شده توسط ابن‌قولویه از آنِ کوفه و راویان کوفی کهن است که در زمرهٔ اصحاب امام صادق(ع) و به بعد، هستند. به احتمال بسیار زیاد، ابن‌قولویه این دفاتر حدیثی کوفیان را به واسطهٔ اساتید قمی یا سمرقندی مانند عیاشی دریافت کرده است. همچنین، دیگر شهرهای ایران مانند ری، سمرقند، بلخ، مرو و اهواز محدثانی به نام داشته که کتب آنان توسط ابن‌قولویه به بغداد وارد شده‌است و حضور مؤثر وی در بسیاری از این حوزه‌های حدیثی را تثبیت می‌کند.

منابع

[۱]. ابن‌شاذان، محمد بن احمد قمی (۱۴۰۷). مئه منقبه. محقق: محمد باقر موحد ابطحی، قم، مدرسه الإمام المهدی (ع) بالحوزه العلمیه.

[۲]. ابن‌شهر آشوب، ابوعبدالله محمد بن علی (؟). *معالم العلماء*. چاپ دوم، نجف، مطبعه الحیدریه.

[۳]. ابن‌طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴). *اقبال الاعمال*. محقق: جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

[۴]. ابن‌غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴). *الرجال*. محقق: محمدرضا حسینی، قم، دار الحدیث.

[۵]. ابن‌قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۴۱۷). *کامل الزیارات*. محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسهٔ نشر اسلامی.

[۶]. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). *الفهرست*. محقق: رضا تجدد، تهران، (؟).

[۷]. جمعی از پژوهشگران زیر نظر محمدتقی سبحانی (۱۳۹۶). *جستارهایی در مدرسهٔ کلامی کوفه*. قم، دارالحدیث.

[۸]. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۹۹۷). *تاریخ بغداد*. محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

[۹]. سمعانی، ابوسعد عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸). *الانساب*. محقق: عبدالله عمر بارودی، بیروت، دارالجنان.

[۱۰]. شفیعی، سعید (۱۳۸۹ش). مکتب حدیثی شیعه در کوفه *(تا پایان قرن سوم هجری)*. قم، دارالحدیث.
[۱۱]. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸). *الرعایه فی علم الدرایه*. محقق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی.
[۱۲]. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۵). *الرجال*. محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
[۱۳]. ــــــــــــــ (۱۴۲۲). *الفهرست*. محقق: جواد قیومی، چاپ دوم، قم، نشرالفقاهه.
[۱۴]. ــــــــــــــ (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*. محقق: سید حسن خرسان، مصحح: محمد آخوندی، چاپ چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
[۱۵]. ــــــــــــــ (۱۳۶۵). تهذیب *الاحکام*. محقق: حسن خرسان، مصحح: محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
[۱۶]. غلامعلی، مهدی (۱۳۹۲ش). *تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ*. قم، دارالحدیث.
[۱۷]. فرجامی، اعظم (۱۳۹۴). زیدیه و حدیث *امامیه*. قم، دارالحدیث.
[۱۸]. کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی (۱۳۶۹). *کنزالفوائد*. قم، مکتبه المصطفوی.
[۱۹]. کشی، محمد بن عمرو بن عبدالعزیز (۱۴۰۴). *الرجال*. محقق: مهدی رجائی، قم، مؤسسهٔ آل البیت (ع).
[۲۰]. محدث نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۵). خاتمه *المستدرک*. قم، مؤسسهٔ آل البیت (ع).
[۲۱]. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴). *الرجال*. محقق: موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
[۲۲]. نویسندهٔ مجهول ز ۳۷۲ق (۱۳۶۲). حدود *العالم من المشرق الی المغرب*. محقق: منوچهر ستوده، تهران، کتابخانهٔ طهوری.
[۲۳]. نیومن، اندور جی (۱۳۸۶ش). دورهٔ *شکل‌گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان* حدیثی *میان قم و بغداد*. ترجمه و نقد: مؤسسهٔ شیعه شناسی، قم، شیعه شناسی.